

عنوان مقاله:

بررسی مواجهه با رنج تنهایی اگزیستانسیال در اندیشه اروین یالوم و رنج عارفانه فراق در اندیشه مولوی

محل انتشار:

فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی، دوره 20، شماره 78 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

امیرعباس علیزمانی - دانشیار گروه فلسفه دین دانشگاه تهران، تهران، ایران

حبیب مظاهری - دانشجوی دکتری گروه فلسفه دین و کلام جدید دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران

خلاصه مقاله:

اروین یالوم معتقد است که تنهایی یک حد مرزی و رنج وجودی است که با انسان تنیده شده است. انسان، تنها به دنیا می آید، تنها از دنیا می رود و خودش به تنهایی مسئول آفرینش ماهیت خویش است؛ نه این که در این عالم مددکاری ندارد، بلکه هیچ پناهگاهی نیز برای او وجود ندارد و ناخواسته در این عالم پرتاب شده است. جلال الدین محمد بلخی (مولوی) نیز از رنج تنهایی یاد می کند، اما از سنخ تنهایی تلخ یالومی نیست، بلکه تنهایی در قالب فراق از اصل خویش است، دلهره اش نه به خاطر بی پناهگاهی، بلکه به سبب بی اوبی و غربت در عالم است که برایش دردناک و رنج آور شده است. در اندیشه یالوم، رنج تنهایی راه حلی ندارد و مسئله ای وجودی است که انسان باید آن را بپذیرد و تنها می تواند آن را تسکین دهد، اما مولوی با خدا بودن را رافع رنج فراق و تنهایی می داند. نویسنده امیدوار است با ارائه این تحقیق، از رنج تنهایی با رویکردی معناجویانه بکاهد. در همین راستا، در ابتدا به ترسیم وجوه رنج تنهایی اشاره کرده و در پایان، به بیان راهکارهای رهایی از این رنج تنهایی می پردازد.

کلمات کلیدی:

رنج وجودی، تنهایی، فراق، پرتاب شدگی، معنا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/861974>

